

متن پرسش

سلام: استاد مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام آن جا که در مورد عوامل تربیت سخن می‌گویند در آخر یکی از عوامل را «کار» معرفی می‌کنند. - نخست می‌گویند: «انسان یک موجود- به یک اعتبار- چند کانونی است. انسان جسم دارد، انسان قوه خیال دارد، انسان عقل دارد، انسان دل دارد، انسان... استاد مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۷۷» - بعد درباره ی «کار و تمرکز قوه خیال» می‌گویند: «ولی نفس انسان جور دیگری است، همیشه باید او را مشغول داشت؛ یعنی همیشه باید یک کاری داشته باشد که او را متمرکز کند و وادار به آن کار نماید و الا اگر شما به او کار نداشته باشید، او شما را به آنچه که دلش می‌خواهد وادار می‌کند و آن وقت است که دریچه خیال به روی انسان باز می‌شود؛ در رختخواب فکر می‌کند، در بازار فکر می‌کند، همین‌طور خیال خیال خیال، و همین خیالات است که انسان را به هزاران نوع گناه می‌کشاند. اما برعکس، وقتی که انسان یک کار و یک شغل دارد، آن کار و شغل، او را به سوی خود می‌کشد و جذب می‌کند و به او مجال برای فکر و خیال باطل نمی‌دهد.» - جای دیگر می‌گویند: «انسان باید کاری را انتخاب کند که آن کار عشق و علاقه او را جذب کند پس در مورد کار، این جهت را باید مراعات کرد و آن وقت است که خیال و عشق انسان جذب می‌شود و در کار ابتکاراتی به خرج می‌دهد.» - زیر عنوان «کار و آزمودن خود» می‌خوانیم: «اگر انسان دست به کاری زد و دید استعدادش را ندارد، کار دیگری را انتخاب می‌کند و بعد کار دیگر تا بالاخره کار مورد علاقه و موافق با استعدادش را پیدا می‌کند. وقتی که آن را کشف کرد، ذوق و عشق عجیبی پیدا می‌کند و اهمیت نمی‌دهد که درآمدش چقدر است. آن وقت است که شاهکارها به وجود می‌آورد که شاهکار ساخته عشق است نه پول و درآمد. با پول می‌شود کار ایجاد کرد، ولی با پول نمی‌شود شاهکار ایجاد کرد. واقعاً باید انسان به کارش عشق داشته باشد.» با اینکه ایشان در جاهای دیگر با کارزدگی موافق نیستند. _ می‌خواستم بدانم اگر بنا باشد هدف عبودیت باشد اینکه از یک طرف انسان در عین حال به تمام واجبات و محرمات و.. توجه داشته باشد اعتقادی اخلاقی فقهی و.. آن هم براساس اعتقاد و ایمان به خدا. از طرف دیگر کمال و سعادت ما در قرب به خدا به یک معنا افزایش معرفت حضوری و قلبی و توجه به خدا. البته می‌توانیم در کلام و سخن بگوئیم کار را برای رضای خدا انجام بدهیم ولی آیا وقتی انسان به «کار» و شغلش عشق بورزد و غرق در کار شود آیا واقعا از توجه به ابعاد دیگر مسائل دیگر و هدف اصلی باز نمی‌ماند آنهایی که کارشان و شغل شان را واجبات عینی گذاشته اند (مثلا اهل علوم دینی) چقدر باید روی اخلاص کار کنند تا حداقل برای خودشان یک کم دلشان خوش باشد که در راه هدف کار می‌کنند چه برسد به دیگران. اگر این طور باشد الان دانشمندان

آمریکایی که در بخش های مختلف کار می کنند و غرق در علم و تخصص و کارشان هستند هم...! آنها هم که در حال ساخت سلاح های دقیق و مخرب اند بلاخره با علاقه به اینکه یک علم و تخصصی دارند موقعیت اجتماعی و... دارند مشغول کارند آیا انسان بهتر نیست ساده ترین مشاغل را داشته باشد ولی خودش را گول نزند * چه طور می شود عشق و علاقه به کار(از هر نوعی: هنری فنی علمی) البته وقتی که به عنوان عامل تربیت شد[!؟] واقعا در راستای هدف اصلی { عبودیت نجات توجه به تمام ابعاد و استعدادها انجام تمام واجبات و محرمات...} باشد و نه مانع آن. تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا مرحوم شهید مطهری را به جهت این چنین دقت ها رحمت کند. ابتدا خوب است سعی کنیم متوجه فضا و بستری باشیم که آن مرحوم متذکر جایگاه کار می شوند و این که چگونه وقتی کار در راستایی باشد که انسان در واقع خود و استعدادهایش را کشف کند متوجه می شود اگر او خود را متوجه اموری جدی نماید خیال او، او را مشغول می کند. با توجه به این امر رویکرد انسان به کار، رویکردی حکیمانه و قدسی و معنوی می شود و لذا در هر کاری که وارد شود در واقع آن میدان برای او میدان کشف بیشتر خود او می باشد و از این جهت به آن کار عشق می ورزد. حال چه آن کار، کاری باشد که مرحوم صاحب جواهر با پشتکارهای شبانه روزی خود انجام می دهد و چه کاری که مرحوم شهید شهرداری بدان مشغول می باشد. در هر دو حال اولاً: در راستای احیای خود قدم گذاشته است و ثانیاً: منور به الهاماتی می شود که در آن مسیر، مددکار او خواهد بود و این جا است که فرق اساسی بین این افراد و آن کارشناسانی خواهد بود که صرفاً اسیر امیال خود و کاری است که هیچ وجه متعالی مد نظر آن شخص نیست. موفق باشید